

دو تا ۱۱۴	دعا ۲۳
یک شاگرد به تأثیرات دعا اعتقاد دارد - قسمت اول	
S = معلم ۲ (تعلیم توسط معلم ۲)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. با کمک این مجموعه یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید. یک معلم از کتاب مقدس به شما یاد خواهد داد که شاگرد عیسی مسیح دعا می کند. در حالیکه به این برنامه گوش می کنید آن را در دفترچه یادداشت خود یادداشت کنید و یا برنامه را ضبط کنید. مجموعه چهارم از تعالیم هشت گانه در مورد تمرین دعا است. چهار عنوان آن عبارتند از: " یک شاگرد برای دعا انگیزه پیدا می کند " و " یک شاگرد نسبت به جنبه فیزیکی دعا حساس است " ، " یک شاگرد در دعا پافشاری می کند " و " یک شاگرد به تأثیرات دعا اعتقاد دارد ". هر عنوان در دو بخش خواهد بود. امروز در این مورد یاد خواهیم گرفت " یک شاگرد به تأثیرات دعا اعتقاد دارد - قسمت اول " .

(S) کتاب مقدس می گوید، " دعای مرد عادل، قدرت دارد و بسیار اثر بخش است. " در کتاب مقدس مردان و زنان عادل بسیاری وجود دارد که دعا کردند و پاسخ های شگفت آوری دریافت کردند. ما به چنین مثالهایی در شش زمینه توجه خواهیم کرد: در قسمت اول به دعاهایی می پردازیم که منجر به شناخت خدا و تجربه کردن نجات خدا می شوند. در قسمت دوم به دعاهایی می پردازیم که منجر به تجربه کردن احیاء و برکت و کمک خدا شده و همینطور دعاهایی که منجر به گسترش ملکوت خدا می گردند.

### نکته ۱. دعاهایی که منجر به شناخت خدا می شوند.

#### اول. دعا و واقعیت خدا

در اول پادشاهان ۱۸ درباره ایلیا و پیامبران دروغین بعل می خوانیم. سالها بود که اخاب پادشاه و همسرش ایزابل پرستش بعل و اشیره را ترویج می دادند. بعل و اشیره اسامی بت های مذکر و مؤنث باروری کنعان بودند. بعل مظهر قدرت مولد طبیعت و اشیره مظهر قدرت و حفاظت حیات بود. تصور می شد که بعل بالای کوهستان زیست می کند و الهه خورشید است. درست مانند خورشید بعل نیز با اشعه سوزان خود حیات را تخریب می کند. آنانی که فرزندان خود را زنده برای او می سوزاندند این اعتقاد خود را نمایش می دادند! اشیره نیز سیاره ونوس است و ملکه آسمان نامیده می شود. هر شهری خودش دارای بتهای بعل و اشیره بود و کم کم پرستش بسیاری از انواع بعل و اشیره از اسرائیل به بابل کشیده شد. اخاب پادشاه و ملکه ایزابل، انبیاء خداوند را کشته و در تمام کشورهای همسایه به دنبال ایلیا می گشتند تا او را بکشند. آنها ۴۵۰ نبی را برای بعل و ۴۰۰ نبی برای اشیره به کار گرفته بودند.

بعد از مدتی خداوند، نبی خود ایلیا را فرستاد تا با اخاب و ملکه ایزابل مبارزه کند. اخاب باید تمام ۸۵۰ نبی خود و همینطور تمام مردم اسرائیل را به مقابله بین بعل و اشیره از یک طرف و خدای زنده از طرف دیگر دعوت می کرد. ایلیای نبی مردم را توبیح کرده گفت، " تا کی می خواهید هم خدا را پرستید و هم بتها را؟ اگر خداوند خداست او را اطاعت نمائید و اگر بعل خداست او را پیروی کنید " (آیه ۲۱). سپس انبیاء بعل را به مبارزه خواند تا مذبحی ساختند و سر گاو را تکه تکه کرده و بر چوب مذبح بگذارند ولی آن را آتش نزنند. ایلیا هم همین کار را انجام خواهد داد. سپس ۸۵۰ نبی بعل و اشیره خدای خود را می خوانند تا آتش را روشن کند و ایلیای نبی هم نام خداوند را خواهد خواند خدایی که با آتش پاسخ دهد - او خدا خواهد بود! همه موافقت کردند. تمام صبح، انبیاء بعل نام بعل را می خواندند اما پاسخی نبود. بعد تمام بعد از ظهر دور مذبح رقصیدند و بعل را با صدای بلند فریاد می زدند و برای جلب توجه او خود را با شمشیر زخمی می کردند. تمام روز گذشت هیچکس نه پاسخی داد و نه توجهی کرد. انبیاء بعل شکست خوردند! بعد از آنها ایلیا تمام اسرائیل و انبیاء کاذب را دعوت کرد تا شاهد کار او باشند. او مذبح شکسته خداوند را تعمیر و سپس گودالی در اطراف آن کند و هیزمها را روی قربانگاه گذاشت. سر گاو را تکه تکه کرد و آن را روی هیزمها گذاشت و بعد به مردم گفت روی مذبح آنقدر سطل های آب خالی کنید تا آن گودال از آب پر شود. سپس دعا کرد و گفت، " ای خداوند، ... امروز آشکار کن که تو خدای اسرائیل هستی ... ثابت کن که همه این کارها را من به فرمان تو انجام داده ام. ای خداوند جواب بده دعای مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو خدا هستی و ایشان را به سوی خود باز می گردانی " (آیه ۳۶-۳۷). بلافاصله آتش خداوند از آسمان پایین آمد و قربانی او، چوب، آب و حتی سنگهای مذبح را با خاک اطرافش سوزاند! وقتی مردم این را دیدند به رو درافتادند و فهمیدند که خداوند، خدا است. سپس مردم تمام ۸۵۰ پیامبران دروغین بعل و اشیره را از بین بردند .

نتیجه از طریق دعا مردم می آیند تا واقعیت خدایی را بشناسند که خودش را از طریق انبیاء واقعی عهد عتیق آشکار ساخت. خدای کتاب مقدس اختراع انسان نیست. او اسطوره ای مذهبی نیست. خداوند تنها خدای واقعی است!

## دوم. دعا و حضور خدا

در خروج ۳۲: ۱۴-۱۷ در مورد موسی و قوم یاغی اسرائیل می خوانیم. اسرائیلیان گوساله ای طلایی ساخته و آن را به عنوان بت قرار دادند. این، خدای زنده را خشمگین ساخت. پس خدا به موسی گفت که در سفر بیابان او دیگر خودش همراه آنها نخواهد بود بلکه در عوض فرشته ای را خواهد فرستاد (آیه ۱-۳). اما موسی کسی را جز خدا قبول نداشت که همراه آنها باشد! پس دعا کرد به خداوند گفت، "اگر با ما نمی آیی ما را نیز نگذار که از اینجا جلوتر رویم اگر تو همراه ما نیایی از کجا معلوم خواهد شد که من و قوم من مورد لطف تو قرار گرفته ایم و با سیار قوم های جهان فرق داریم؟" موسی می دانست که نه خود او و نه قوم اسرائیل افراد خاصی نیستند. فقط با حضور خدا او می تواند نبی خدا باشد. بدون حضور خدا او هم مانند هر بی ایمان دیگری خواهد بود. موسی می دانست که فقط با حضور خدا اسرائیل قوم خدا خواهد بود. بدون حضور خدا در اسرائیل، اسرائیل فقط مانند سایر قومهای جهان خواهد بود. حضور خدا وجه تمایز خادم خدا و وجه تمایز قوم خدا می باشد! خدا به موسی پاسخ داد و گفت، "من خود همراه شما خواهم آمد و به شما توفیق خواهم بخشید... در این مورد هم دعای تو را اجابت می کنم چون تو مورد لطف من قرار گرفته ای و تو را به نام می شناسم."

نتیجه. از طریق دعا، قوم خدا می توانند حضور خدا را تجربه کنند. حضور خدا یکی از ویژگی های لاینفک مسیحیان واقعی است. حضور خدا قوم خدا را از سایر مذاهب جهان متمایز می کند.

## سوم. دعا و عظمت خدا

در اعداد ۱۱ و ۱۲ در مورد موسی و داوری خدا می خوانیم. اسرائیلیان از سختی های خود شکایت می کنند. خدا شکایات آنها را شنید و از آسمان آتش فرستاد و بعضی از اسرائیلیان را نابود کرد. تمام قوم از ترس گریه کردند و موسی به حضور خداوند دعا کرد. پس با آتش و داوری، شکایات آنها به پایان رسید.

چندی بعد، دوباره بنی اسرائیل در سفر بیابان طاقت خود را از دست داد و باز هم بر علیه خدا و بر علیه رهبر خود یعنی موسی سخن گفتند. آنها اینطور شکایت می کردند که، "در اینجا نه چیزی برای خوردن هست و نه چیزی برای نوشیدن ما از خوردن این غذای بی مزه خسته شده ایم!" خداوند شکایات آنها را شنید و مارهای سمی را به میان آنها فرستاد. مارها عده زیادی از آنها را گزیدند و هلاک کردند. آنوقت قوم پیش موسی آمده و گفتند، "ما گناه کرده ایم چون به ضد خداوند و به ضد تو سخن گفته ایم از خداوند درخواست کن تا این مارها را از ما دور کند." موسی در حضور خداوند دعا کرد اما خداوند در آن لحظه مارها را دور نکرد. اما موسی باید ماری برنزه می ساخت و بر سر یک تیر آویزان کند. خدا گفت، "هر مار او را گزیده باشد اگر به آن نگاه کند زنده خواهد ماند." پاسخ خدا به دعای موسی این بود که اسرائیلیان هنوز هم از نتایج غرغر و شکایت خود رنج می کشند اما هر که مار او را گزیده باشد باید شخصا به آن صلیب نگاه کند و به آنچه خدا گفت ایمان آورد. فقط آنانی که به خدا ایمان آوردند نمردند.

**نتیجه.** از طریق دعا، مردم عظمت و عدالت خدا را تجربه می کنند. خدا امروزه هم مردم را به دلیل گناهانشان داوری می کند. بعضی مواقع خدا گناهان آنها را با بیماری و مصیبت داوری می کند و بعضی مواقع دیگر او استقلال و یاغی گری آنها را بر علیه خود با حوادث و مصیبت های طبیعی داوری می کند (مقایسه کنید با حزقیال ۱۴: ۲۱). خدا اجازه می دهد که مردم از نتایج گناهانشان در رنج باشند. اما خدا عیسی مسیح را نیز فرستاد تا بر صلیب آویزان شود و برای گناهان مردم بمیرد. هر کس به عیسی ایمان آورد به مرگ ابدی نخواهد مرد بلکه حیات جاودانی خواهد یافت (مقایسه کنید با یوحنا ۳: ۱۴-۱۸).

## چهارم. دعا و نزدیکی خدا

در تثنیه ۴: ۷-۸ در مورد دعای موسی می خوانیم، "هیچ قومی هر قدر هم که بزرگ باشد مثل ما خدایی ندارد که در بین آنها بوده هر وقت او را بخوانند فوری جواب دهد. هیچ ملتی هر قدر هم که بزرگ باشد چنین احکام و قوانین عادلانه ای که امروز به شما یاد دادم ندارد." تمام انسانهایی که متعلق به خداوند هستند یعنی خدایی که خود را از طریق انبیاء عهد عتیق آشکار ساخت دارای دو مزیت بزرگ هستند. اولین مزیت آنها این است که دارای کلام خدا هستند که برنامه و نقشه خدا را آشکار می کند. دومین مزیت این است که هر وقت دعا می کنند همیشه نزدیک بودن خدا را تجربه می کنند. از طریق عیسی مسیح امروزه این دو مزیت برای تمام مسیحیان از تمام اقوام جهان است.

نتیجه. از طریق دعا مردم می تواند نزدیک بودن خدا را تجربه کنند. شونده عزیز، دعا کردن در نام عیسی مسیح و در حضور خدا را شروع کنید. وجود خدا، حضور خدا، عظمت خدا و نزدیکی خدا را تجربه کنید!

## نکته ۲. دعاهایی که منجر به تجربه رهایی خدا می شوند.

### اول. دعا و حفاظت خدا

در دوم پادشاهان ۶ در مورد الیشع نبی و لشکر آرام می خوانیم. پادشاه آرام جنگی را بر علیه اسرائیل به راه انداخته بود و لشکر اسرائیل را از مکانی به مکان دیگر تعقیب می کرد اما هرگز نمی توانست آنها را بگیرد چون الیشع نبی پادشاه

اسرائیل را مشورت می داد. به پادشاه آرام گفتند، " این کار، کار الیشع نبی اسرائیل است که حتی کلماتی را که در خوابگاه خود بر زبان می آوری به پادشاه اسرائیل اطلاع می دهد " (آیه ۱۲). پس پادشاه آرام می خواست الیشع را دستگیر کند. او لشگری را با اسبها و ارابه ها فرستاد تا شهری که الیشع در آنجا بود محاصره کنند. خادم الیشع نبی آن لشگر را دید و فریاد زد، " ای سرورم چه کنیم؟ " او ترسیده بود چون فقط لشگر اسبها و ارابه هایی را می دید که پادشاه آرام فرستاده بود. پس الیشع نبی گفت، " نترس! قوای ما از قوای آنها بزرگتر است " (آیه ۱۶). پس الیشع دعا کرد که خداوند چشمان خادمش را باز کند و واقعیت را آنطور که خدا می بیند ببیند. خداوند چشمان او را باز کرد و او دید که دور تا دور الیشع، همه تپه ها پر است از اسبها و ارابه ها (آیه ۱۷). این اسبها و ارابه های آتشین از جانب خداوند آمدند تا از الیشع نبی محافظت کنند!

پس الیشع باز هم به خداوند دعا کرد و گفت، " ای خداوند چشمان ایشان را کور کن " و خداوند چشمان تمام سربازان آرام را کور کرد. آنها به اطراف برخورد می کردند و نمی توانستند راه خود را پیدا کنند. پس الیشع آنها را به سامره و نزد پادشاه اسرائیل برد. باز هم الیشع دعا کرد تا چشمان آنها باز شود تا بتوانند ببینند و خداوند چشمان آنها را باز کرد و آنها فهمیدند که در اسارت پادشاه اسرائیل هستند ولی الیشع نبی اجازه نداد که پادشاه اسرائیل دشمنانش را بکشد. بلکه دستور داد تا به آنها آب و غذا بدهند و آنها را آزاد کنند تا به کشورشان باز گردند. اسرائیلیان برای دشمنانشان جشن بزرگی گرفتند و بعد هم آنها را آزاد کردند تا به کشورشان باز گردند. از آن زمان به بعد دیگر سپاه آرام به قلمرو اسرائیل حمله نکردند.

**نتیجه:** از طریق دعا خدا چشمان روحانی مردم را باز می کند تا ببینند که او چطور از خادمینش محافظت می کند. از طریق دعا، خدا می تواند چشمان روحانی دشمنان را طوری نابینا کند که آنها نتوانند به شرارت خود ادامه دهند.

### **دوم. دعا و دفاع خدا**

در دوم پادشاهان ۱۹ در مورد حزقیای پادشاه و لشگر آشور می خوانیم. آشوری ها در آن لحظه از تاریخ قویترین قومها بودند. آنها قلمرو خود را گسترش داده و به اورشلیم نیز آمدند. پادشاه آشور سنخاریب، نامه ای به حزقیای پادشاه یهودا فرستاد و به او گفت که چطور سایر اقوام را کاملا نابود ساخته و بتهای آنها را به آتش انداخته است، او به خود افتخار می کرد که هیچ خدایی نتوانسته مانع او شود و به یهودا هشدار داد که تسلیم او شود ولی حزقیای پادشاه به هیکل نرفت و نامه تهدید آمیز او را در حضور خداوند پهن کرد. او چنین دعا کرد، " ای خداوند... تنها تو خدای تمام ممالک جهان هستی ... سخنان سنخاریب را بشنو و ببین این مرد چگونه به تو ای خدای زنده توهین می کند ... ما را از جنگ پادشاه آشور نجات ده تا تمام ممالک جهان بدانند که تنها تو خدا هستی " (آیه ۱۵-۱۹). خدا پاسخ خود را از طریق اشعیا نبی فرستاد. خدا گفت که دعای حزقیای را شنیده است. او می دانست که سنخاریب با چه غروری بر علیه او سخن گفته و به خدا توهین کرده است. او قول داد که سنخاریب بر علیه اورشلیم نخواهد جنگید اما خدا او را مجبور خواهد کرد که به کشورش بازگردد. خدا گفت، " من به خاطر خود از این شهر دفاع خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد. " (مقایسه کنید با آیه ۳۴) همان شب خدا فرشته خود را فرستاد و او ۱۸۵ هزار سرباز لشگر آشور را کشت! سنخاریب بلافاصله به خانه بازگشت و بلافاصله پسرانش او را کشتند.

**نتیجه:** از طریق دعا خدا می تواند قوم خود را از هر قدرت عظیم و مهیبی نجات دهد. این واقعه تاریخی هشدار می است که به تمام فرمانروایان زمینی که بر علیه خدای زنده سخن می گویند و هشدار می است بر سربازان و پلیسانی که بر علیه قوم خدا می جنگند.

### **سوم. دعا و مبارزه خدا**

در دوم تواریخ ۲۰ در مورد پادشاه یهوشافاط و لشگر موآب و عمونیان می خوانیم. این دو لشگر آمده بودند تا بر علیه یهودا بجنگند. به یهوشافاط این خبر رسید و او تصمیم گرفت از خدا کمک بخواهد. او روزه ای ملی اعلام کرد و تمام مردم سرتاسر یهودا به اورشلیم آمدند تا از خداوند کمک بخواهند. پادشاه یهوشافاط دعا کرد و گفت، " ای خداوند ... فرمانروای تمام ممالک دنیا، تو با قدرت و با عظمت هستی. کیست که بتواند در برابر تو بایستد؟ ... ما برای مقابله با این سپاه بزرگ قدرتی نداریم، کاری از دست ما بر نمی آید، جز اینکه منتظر کمک تو باشیم. " (آیات ۶ و ۱۲). خدا پاسخ داد و گفت، " نترسید، از این سپاه نیرومند دشمن وحشت نکنید زیرا شما نمی جنگید بلکه من به جای شما با آنها می جنگم ... لازم نیست شما با آنها بجنگید فقط بایستید و منتظر باشید آنگاه خواهید دید خداوند چگونه شما را نجات می دهد " (آیه ۱۵، ۱۷). روز بعد لشگر آنها به راه افتاد تا در مقابل لشگر موآب و عمون موقعیت خود را ترتیب دهند. مردم پیشاپیش سپاه حرکت کرده سرود می خواندند و خدا را می پرستیدند. در حینی که آنها خداوند را حمد و پرستش می کردند خدا به لشگر موآب و عمون حمله کرد و لشگر عمون و موآب به جان هم افتاده و همدیگر را کشتند. هر دو لشگر عظیم یکدیگر را کشتند و هیچ یک از سربازان دشمن نتوانستند فرار کنند. پس " وقتی قومهای همسایه شنیدند که خداوند با دشمنان اسرائیل جنگیده است ترس خدا آنها را فرا گرفت " (آیه ۲۹).

**نتیجه:** از طریق دعا، خدا خودش علیه دشمنان قوم خود می جنگد. از طریق دعا جنگ دیگر از آن ما نیست بلکه از آن خداوند. ما فقط باید بایستیم و ببینیم که چطور خداوند ما را از دشمنانمان می رهاوند.

### **چهارم. دعا و رهایی خدا**

در اعمال ۱۲ در مورد پطرس رسول و کلیسا می خوانیم. پطرس رسول شجاعانه انجیل را در اورشلیم موعظه کرده بود و هزاران نفر مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته بودند. هیروдіس پادشاه بعضی از مسیحیان را دستگیر کرد تا به آنها جفا برساند. او یعقوب رسول را کشت و پطرس رسول را به زندان انداخت تا محاکمه سیاسی بزرگی را به نمایش بگذارد. از پطرس کاملاً محافظت می شد. او را با دو زنجیر بسته بودند و در بین دو سرباز خوابیده بود و سربازان دیگر نیز در کنار زندان کشیک می دادند. در همین حین " مسیحیان برای او مرتب دعا می کردند " (آیه ۵). شب قبل از محاکمه بسیاری از مسیحیان در خانه مریم مادر مرقس جمع شده بودند و دعا می کردند (آیه ۱۲). بلافاصله فرشته خداوند در سلول زندان ظاهر شد. او پطرس را بیدار کرد و زنجیرها از مچ دستهایش باز شد! فرشته به پطرس گفت لباسهایش را بپوشد و به دنبال او از زندان خارج شود. آنها از اولین و دومین سرباز عبور کردند بدون اینکه دیده شوند! دروازه آهنی زندان که در خروجی بود خودبخود باز شد و فرشته همراه با پطرس طول کوچه ای را طی کردند و سپس فرشته ناپدید شد!

**نتیجه.** از طریق دعا خدا می تواند قوم خود را از زندان رهایی دهد.

عبرانیان ۱۳: ۳ و ۱۰: ۳۴ می گوید، " با زندانیان نیز همدردی می کردید و به هنگام غارت اموالتان شاد بودید زیرا می دانستید که در آسمان چیزهای بهتری در انتظار شماست که تا ابد از بین نخواهد رفت. "

شنونده عزیز، آیا به حفاظت یا رهایی خداوند احتیاج دارید؟ دعا کردن را شروع کنید. همان خدایی که از البشع نبی محافظت کرد، حزقیل پادشاه را رهانید، برای یهوشافاط جنگید و پطرس را آزاد کرد می تواند از شما محافظت کند و شما را رهایی دهد!

### **(T) تکلیف برای هفته آینده**

**اول.** یعقوب ۵: ۱۶ را حفظ کنید، " دعای صادقانه مرد درستکار قدرت و تأثیر شگفت انگیز دارد. "

**دوم.** کتابهای دستورالعمل " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می کنم ....

**سوم.** هر شب تا چهارشنبه به برنامه دوره شاگردسازی از رادیو گوش کنید.